

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH9962885 ISSN-P: 2538-3701

حقوق طلبکاران بر عهده ورشکسته

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

رامین نظری^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد خرم آباد

دکتر سید ابراهیم موسوی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، دکتری حقوق خصوصی و عضو هیئت علمی دانشگاه

چکیده

امروزه تجارت در کشورها و روابط بین الملل با توجه به افزایش فعالیت های اقتصادی و تجاری امری با اهمیت و پیچیده تلقی می شود، که در آن تاجر در چارچوب قوانین به انواع معاملات پرداخته که در بعضی مواقع ممکن است تاجر با وضعی مواجه شود که نتواند تعهدات خود را انجام دهد و دچار ورشکستگی شود، در این صورت کسانی که با تاجر معامله ای انجام داده و دچار خسران شده اند اقدام به گرفتن طلب خود کرده و در نتیجه منجر به صدور حکم ورشکستگی و توقیف اموال تاجر یا شرکت گردیده و طی آن حکم و برای زایل نشدن حقوق طلبکاران، تاجر ورشکسته از تصرف در اموال خود منع می شود. طلبکاران باید طلب یا ادعای خود را اعلام کرده تا مورد رسیدگی قرار گیرد چرا که ورشکسته نه تنها شرکت یا تاجر و طرفهای معامله بلکه طلبکاران را هم تحت تاثیر قرار داده است، از اینرو آگاهی از قوانین و مقررات در زمینه ورشکستگی تجار و حقوق طلبکاران و رعایت قواعد آن امری اجتناب ناپذیر می نماید.

واژگان کلیدی: طلبکار، بدهکار، حقوق ورشکسته، تصفیه، اموال، معامله

^۱نویسنده مسئول

۹۷۵



در برخی موارد کسانی که به امر تجارت اشتغال دارند، علی رغم همه دور اندیشی ها و دقت نظرها به علت برخی دلایل، در پرداخت دیون و بدهی هایشان توقف ایجاد می گردد که همین امر زمینه ساز ورشکستگی تاجر خواهد شد. صدور و اعلام حکم ورشکستگی تاجر وضعیت جدیدی را ایجاد می کند که هم بر روی ورشکسته و معاملات او با دیگران اثر دارد و هم نسبت به طلبکاران تاثیر می گذارد. تاجری که حکم ورشکستگی او صادر شده است ممکن است مبادرت به انجام اعمال بنماید که به ضرر طلبکاران تمام شود لذا قانونگذار برای جلوگیری از اضرار به طلبکاران ممنوع المداخله بودن نامبرده و تامین و توقیف دارایی او را که وثیقه طلب بستانکاران است، اعلام نموده است. قانون تجارت ایران برای طلبکاران در مواردی حق و حقوقی قرار داده است از جمله این حقوق پرداخت حق طلبکاران در مطالبه دیون، حق اعتراض برای طلبکاران و...، همچنین حقوقی بعد از تصفیه قرار داده است که ما در این پژوهش این حقوق یعنی حقوق طلبکاران بر ورشکسته را مورد بحث و بررسی قرار داده ایم.

بخش اول: مفهوم ورشکستگی

ماده ۴۱۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اعلام می دارد: ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می شود.

به طوری که ملاحظه می شود قانونگذار ما بدون اینکه ورشکستگی و توقف را تعریف نماید، فقط توقف از تادیه دیون تجاری را لازمه ی حصول ورشکستگی تاجر اعلام می نماید. (رحمدل، ۱۳۸۶: ۱۱۹) نکاتی که از این تعریف می توان استنباط کرد عبارتند از:

۱ - منظور از تاجر هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی است ۲ - در صورتی عدم پرداخت بدهی موجب ورشکستگی است که در نتیجه توقف از تادیه بدهی باشد. ۳ - فرقی نمی کند که توقف به علت عدم دارایی تاجر باشد و یا به علت عدم دسترسی وی به اموال خود. (ثابت سعیدی، ۱۳۷۶: ۲۳۲)

به نظر می رسد که ماده ۴۱۲ قانون تجارت ایران ترجمه تحت لفظی ماده ۴۳۷ قانون تجارت فرانسه باشد که مقرر می دارد: هر بازرگانی که پرداختهایش را قطع کند در وضع توقف قرار می گیرد.

بحثی که در حقوق فرانسه مطرح است این است که اگر منظور از توقف در پرداخت این باشد که بدهکار در انقضاء مهلت آنچه را که بر عهده دارد تادیه ننماید، می توان پاسخ داد که ممکن است وی قادر به پرداخت دین خود باشد ولی به عللی نتواند آن را به موقع پرداخت کند. با تحول قوانین امروزه دادگاهها هنگام صدور حکم ورشکستگی، وضع مالی شخص و علل عدم پرداخت و تاثیر آن علل در توقف را مورد توجه قرار می دهند. (عرفانی، ۱۳۹۳: ۱۳)

با توجه به تعریف فوق مراتب زیر از ورشکستگی مستفاد میگردد

۱- موضوع ورشکستگی صرفا متوجه افراد تاجر و شرکتهای تجاری است یعنی اشخاص حقیقی و حقوقی را شامل می شود 2- ورشکستگی ناشی از توقف و ناتوانی در تادیه بدهی است. ۳- چنانچه تاجر به منظور سوء استفاده از اعلام ورشکستگی نسبت به ارائه دادخواست تعلل یا امتناع ورزد طلبکاران یا یکی از آنها باید در این خصوص اقدام و دادخواست توقف فعالیت تاجر را به دادگاه تسلیم و تقاضای صدور حکم ورشکستگی نماید و در صورتی که تاجر یا طلبکاران در این مورد اقدامی به عمل نیاورند دادستانی به عنوان مدعی العموم و به منظور حمایت از حقوق جامعه باید اقدام لازم در خصوص توقف اعمال تجاری به عمل آورد. (حاجی پور شوشتری، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

بخش دوم: اقسام ورشکستگی

با در نظر گرفتن این مطلب که تاجر چه نقشی در ورشکستگی خود داشته باشد و یا اوضاع و احوال منجر به ورشکستگی چگونه باشد، ورشکستی را به سه نوع عادی، به تقصیر و تقلب تقسیم می کنند.

الف - ورشکستگی عادی

طبق مواد ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون تجارت برای اینکه کسی ورشکسته عادی محسوب می شود، شرایط زیر باید وجود داشته باشد: اولاً تاجر یا شرکت تجاری باشد. ثانياً از پرداخت



وجوهی که در اختیار دارد متوقف گردد و تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در ادای تعهدات نقدی وی حاصل شده، توقف خود را به دادگاه اعلام نماید. صورت حساب موصوف باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح صورت کلیه قروض و مطالبات و نیز صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی در آن مندرج گردد. (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۷) بدین ترتیب اگر تاجر یا شرکت های تجارتي، ظرف مهلت مقرر در ماده ۴۱۳ قانون تجارت، توقف از تادیه دیون خود را به دادگاه صلاحیتدار به انضمام مدارک مورد نظر اعلام کند ورشکسته عادی محسوب می شود.

ب- ورشکستگی به تقلب

موارد ورشکستگی به تقلب در ماده ۵۴۹ قانون تجارت احصا شده است که می توان در چهار مورد زیر خلاصه کرد: اولاً تاجر دفاتر تجاری خود را از روی عمد و سوء نیت مفقود نماید، ثانیاً تاجر قسمتی از دارایی خود را مخفی کند. ثالثاً تاجر قسمتی از دارایی خود را به طریق مواضعه یا تبانی و معاملات صوری از بین ببرد و رابعاً تاجر به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در واقع مدیون نمی باشد خود را مدیون معرفی نماید. (ستوده تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۱۰)

ج - ورشکستگی به تقصیر

در مواردی تاجر قطعاً ورشکسته به تقصیر اعلان می شود: که این موارد در ماده ۵۴۱ قانون تجارت معین گردیده است، که دادگاه مکلف به اعلام ورشکستگی به تقصیر و صدور حکم کیفری است، حالتی که دادگاه، در اعلام ورشکستگی به تقصیر و در نتیجه در صدور حکم مخیر است. (حسنی، ۱۳۸۵: ۶۲۸)

بخش سوم: شرایط صدور حکم ورشکستگی

شرایط اساسی برای صدور حکم ورشکستگی، تاجر یا شرکت تجارتي بودن و توقف در پرداخت دیون اعلام شده است که در دومورد این شرایط را بررسی می کنیم.

الف - تاجر بودن

برابر ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی مخصوص بازرگانان بوده و برای آنکه بتوان حکم ورشکستگی فرد یا شرکتی را صادر نمود بستگی به زمان انجام معاملات دارد و بر اساس تاریخ توقف تاجر و صدور حکم اعمال می شود. (طالب احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۶) و دیگر اینکه باید آن فرد، تاجر و یا آن شرکت تجاری باشد. براساس ماده یک قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد. و در ماده ۲ همان قانون، معاملات تجاری بیان گردیده است، بدین ترتیب کسی را که شغل معمولی او معاملات مذکور در ماده اخیر باشد، در صورت توقف از تادیه دیونش، می توان ورشکسته اعلام کرد. به موجب ماده ۳۳ قانون اعسار ۱۳۱۳ در مورد کسبه جزء مقررات ورشکستگی اعمال نمی شود و آنها می توانند تقاضای اعسار بدهند.

ب - توقف در پرداخت دیون

برای تحقق این رکن جهت صدور حکم ورشکستگی، بدهی پرداخت نشده باید حال، قابل مطالبه و مسلم باشد. یعنی اگر کسی بر علیه تاجر دعوایی در دادگاه اقامه کند تا زمانیکه دادگاه رای به محکومیت او ندهد دین مسلم نمی باشد، اما در صورتی که تاجر مبلغ سفته ای را که امضاء کرده یا براتی را که قبول نموده در سررسید پرداخت نکند، دین مسلم بوده و دادگاه حکم ورشکستگی او را صادر خواهد کرد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت، توقف را تعریف نکرده و به نظر می رسد توقف از تادیه دیون غیر از عدم توانایی پرداخت می باشد. چون عجز از پرداخت زمانی است که دارایی تاجر کفاف پرداخت دیون او را نکند و این امر پس از تصفیه اموال مشخص می گردد و همین موضوع سبب اختلاف نظر بین دادگاهها و حقوقدانان شده، به طوری که بعضی تنها عدم پرداخت یک یا چند دین را برای صدور حکم ورشکستگی کافی دانسته و دسته ای دیگر صدور حکم ورشکستگی را به در نظر گرفتن مجموع اوضاع و احوال و بررسی وضع مالی و دارایی تاجر منوط می کنند. برای اینکه تاجر ورشکسته باشد لازم نیست که مجموع دارایی او کمتر از مجموع بدهی اش باشد بلکه کافی است که نتواند به





طور عادی بدهی های خود را پرداخت بکند. (اعظمی زنگنه، ۱۳۵۳: ۳۲۹) توقف پرداختها با مفهوم عدم ملالت یعنی افزون بودن بدهی بر دارایی همگونی ندارد، توقف پرداختن یک واقعیت دینامیک و با تحرک است که ارتباط تنگاتنگی با نوسانات و فراز و نشیب تجارتي دارد. در حالی که افزون بوده بدهی بر دارایی یک واقعیت حقوقی به شمار می رود و از این جهت نباید مبنایی برای صدور حکم ورشکستگی باشد. وقفه در پرداخت دیون است که باید بخاطر حفظ حقوق اشخاص، سلب اعتبارات مالی مدیون را موجب شود. (صقري، ۱۳۷۳: ۳۰)

بخش چهارم: حقوق طلبکاران بر ورشکسته پیش از صدور حکم ورشکستگی

پیش از صدور حکم ورشکستگی، طلبکاران حقوقی دارد که عبارتند از:

بند اول: حفظ اسناد و دفاتر و صورت حساب دارایی ورشکسته

هنگامی که دادگاه تاجر را ورشکسته اعلام می نماید، در حکم خود دستور حفظ و مهر و موم اموال تاجر را نیز صادر می کند. انبارها، حجره ها، صندوق، اسناد، دفاتر، اوراق، نوشته ها و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر مهر و موم می شود. هنگامی که حکم ورشکستگی تاجر صادر می گردد، یکی از مواردی که باید حفظ شود دفاتر تجاری می باشند. دفاتر تجاری دفاتری هستند که بنابر ماده ۶ قانون تجارت، تاجر به استثناء کسبه جزء ملزم اند که آنها را داشته باشند و عاملات خود را در آنها یادداشت کنند. این دفاتر عبارتند از:

دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی و دفتر کپیه (ماده ۱۰ و ۱۱ ق.ت)

دفاتر تجاری فوق الذکر را باید از ختم هر سال حداقل به مدت ۱۰ سال حفظ نمود، البته منظور از این ۱۰ سال تعهدی است که تاجر برای نگهداری می دهد نه مرور زمان، یعنی این دفاتر قابلیت استناد تا هر چند سال دارند.

تاجر موظف است کلیه دفاتر تجاری و صورتحساب دارایی خود را برای صدور حکم ورشکستگی به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ماده ۴۱۳ تاجر را موظف کرده است که ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه در تادیه دینش، توقف خود را به دادگاه صلاحیت دار اعلام کند و در ادامه آن ماده ۴۱۴ قانون تجارت، تکلیفی از بابت تسلیم صورت حسابهای تاجر، بر وی محول کرده

است. در صورتی تاجر یا شرکت تجاری مطابق ماده ۴۱۳ رفتار نکرده باشد به این معنا که تاجر از پرداخت دیون، متوقف شده باشد اما این موضوع را به دادگاه اعلام نکرده و ظرف ۳ روز، درخواست ورشکستگی نکند، در غیر این صورت از مصادیق مهم ورشکستگی به تقصیر است و در این موارد بر طبق ماده ۵۴۱ و ۵۴۲ اقدام خواهد شد

بند دوم: حفظ اموال تاجر متوقف

ماده ۴۱۴ قانون تجارت تکلیفی از بابت تسلیم صورت حسابهای تاجر، بر تاجر محول کرده است.. از جمله این صورتحساب تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مفصل می باشد. ماده ۱۹ قانون مدنی در تعریف مال منقول مقرر می دارد:

اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون اینکه به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است. ماده ۲۰ همان قانون مقرر می دارد:

کلیه دیون از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستاجر از اموال غیر منقوله می باشد. اموال منقول ورشکسته معمولاً شامل کالا، لوازم دفتری، تلفن، اتومبیل و... است و از حین حیث تفاوتی فی مابین اشخاص حقیقی و حقوقی نیست، در مورد مال منقول شرایط فروش حداقل ده روز قبل از مزایده در دفتر اداره در دسترس عموم گذارده خواهد شد و هر کسی می تواند اطلاعات لازم را کسب نماید. آگهی فروش شامل مکان، روز، و ساعت مزایده خواهد بود. در روز مزایده اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراجچی به کسی که حداکثر قیمت را پیشنهاد کرده است، واگذار می شود. (ستوده تهرانی، ۱۳۹۱: ۲۶۹) ماده ۱۲ قانون مدنی مقرر می دارد: مال غیر منقول آن است که از محلی به محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از اینکه استقرار آن ذاتی باشد، یا به واسطه عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقصی مال و یا محل آن شود. مطابق این ماده، ملاک و ضابطه در غیر منقول بودن آن است که نقل آن از محلی به محل دیگر، بی آنکه خرابی یا نقصی در خود مال یا محل آن پدید آید، ممکن نباشد. طبق مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون تجارت، باید صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجارتي تاجر پیوست باشد، صورت حساب مذکور باید مورخ باشد و به امضای تاجر رسیده باشد و متضمن مراتب ذیل باشد:



۱ - تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مفصل

۲ - صورت حساب کلیه قروض و مطالبات

۳ - صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی

۴ - در صورتی که شرکت تضامنی، مختلط یا نسبی متوقف شده باشد باید اسامی و محل اقامت کلیه شرکای ضامن نیز ضمیمه شود. در تهیه ی این صورت باید متوقف حداکثر دقت را نماید تا مواردی از دیون و مطالبات و اموال از قلم نیفتد و به طور صحیح تنظیم شده باشد. به گونه ای که قاضی دادگاه با مطالعه ی دادخواست و ضمائم مربوط به آن به طور کامل از وضع زندگی و مخارج دارایی او از جمله اموال منقول و غیر منقول او اطلاع پیدا کند. این کار دلیل محکمی بر عدم تقصیر و سوء نیت تاجر در امور ورشکستگی می باشد که اینک تخلف از این دستور قانونی و عدم توجه در تنظیم صورت دارایی برای محکمه قرینه ای محسوب می شود تا در صورت لزوم اقدام به توقیف متوقف نماید. مصلحت تاجر این است که خود را در اختیار دادگاه و پس از صدور حکم توقف و اعلام آن در اختیار اداره ی تصفیه بگذارد تا به کمک خود او کار تصفیه به نحو شایسته ای در اسرع وقت انجام گیرد. قابل توجه است که قانون از فروش اموال ورشکسته سخن می گوید. بنابراین در مورد شرکت های ورشکسته ظاهراً اموال شرکت قابل فروش است و نه سهام شرکت که متعلق به سهامداران است. معذلتک توجه به این مهم ضروری است که گاه فروش سهام شرکت کم هزینه تر و سود آورتر از فروش اموال شرکت است. (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۶۳) بعد از اعلام اظهار توقف تاجر و تسلیم صورت حساب دارایی، تاجر ورشکسته از مداخله در کلیه اموال خود اعم از منقول و غیر منقول منع می شود و کلیه اموال او متوقف می گردد.

بند سوم: ابطال و فسخ معاملات تاجر متوقف

قانونگذار در ماده ۴۲۴ قانون تجارت برای حفظ حقوق طلبکاران و جلوگیری از حیف و میل اموال تاجر ورشکسته به برخی از معاملات به دیده تردید نگریسته و آنها را تحت شرایطی قابل فسخ اعلام نموده است. ماده مزبور در این خصوص مقرر داشته است: هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری، بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده اند یا

بر قائم مقام آنها ثابت شود که تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ریع قیمت حین معامله بوده است، آن معامله قابل فسخ است مگر این که طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ، تفاوت قیمت را بپردازد. دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود. قانونگذار ما در بند اول ماده ۴۲۳ قانون تجارت پس از اعلام بطلان صلح محاباتی و هبه، هر گونه نقل و انتقال بلا عوض را اعم از اینکه راجع به اموال منقول یا غیر منقول باشد، باطل تلقی کرده است. مقصود از هر نقل و انتقال بلاعوض، هر طریقی غیر از صلح محاباتی و هبه است که منجر به انتقال مجانی عین یا منافع مال مدیون به غیر می گردد. مانند ابراء بدهکار تاجر متوقف یا دادن صدقه. این نوع معاملات به هر شکل و تحت هر عنوان که از طرف تاجر انجام پذیرد، مشکوک است و فرض بر این است که معامله به قصد اضرار به دیان انجام می پذیرد. قابل ذکر است که لازم نیست نقل و انتقال حتما نسبت به عین اموال ورشکسته باشد، بلکه حتما این حکم شامل منفعت اموال نیز می باشد. به همین دلیل، اگر ورشکسته بعد از تاریخ توقف تحت عناوین سکنی، عمری یا رقبی و امثال آن، منافع اموال خویش را به طور مجانی به دیگری تفویض نماید، مشمول حکم خواهد بود. (تله جردی، ۱۳۷۹: ۶۲) به موجب بند سوم ماده ۴۲۳ قانون تجارت: «هر معامله ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود» باطل و بلااثر خواهد بود. بند دوم ماده ۴۲۳ قانون تجارت، تاجر ورشکسته را در دوره مشکوک از تادیه هر قرض اعم از حال یا موجدل به هر طریق بازداشته و ممنوع کرده است. به این علت که پرداخت تمامی طلب یکی از طلبکاران یا برخی از آنها برخلاف اصل تساوی طلبکاران است. (کاتبی، ۱۳۸۷: ۳۰۹)

قانونگذار تجاری ایران در بند دوم ماده ۴۲۳ به طرز مطلق تمامی فروض را مورد اشاره قرار داده است و بیان کرده است تادیه هر قرض اعم از حال یا موجدل ممنوع است. بنابراین به نظر می رسد منظور قانونگذار این است که هیچ قرضی در این مورد مستثنی نیست. دین چه عادی باشد چه موثق و چه مربوط به امور بازرگانی باشد و یا غیر آن وجه حال باشد، چه موجدل، تادیه آن ممنوع است. طریقه پرداخت نیز تغییری در وضعیت ایجاد نمی کند. تاجر متوقف حق





ندارد این را به هیچ طریقی پرداخت نماید: چه به صورت نقد و چه به وسیله یکی از اسناد تجاری، حواله و یا به طور کلی هر وسیله ای که در روابط تجاری برای پرداخت معمول است. از جمله پرداخت از طریق بستانکار یا بدهکار حساب جاری یا تهاتر. همچنین طبق ماده ۴۲۴ قانون تجارت، اگر تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف به قصد اضرار به طلبکاران معامله ای انجام دهد، آن معامله با توجه به شرایط دیگر قید شده در ماده مزبور قابل فسخ است، البته باید توجه داشت که معامله در صورتی قابل فسخ است که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده باشد و صرف وجود قصد اضرار برای قابل فسخ بودن معامله کافی نیست، (سکوتی، ۱۳۸۴: ۸۳) و قانون گذار معاملات ضرری تاجر ورشکسته را قابل فسخ اعلام کرده است. در ماده ۴۲۵ قانون مذکور، قانونگذار این امتیاز را برای طرف معامله با تاجر ورشکسته داده که پس از فسخ معامله حق دارد در مقابل تسلیم مال موضوع معامله به مدیر تصفیه، قیمت حین معامله آن را، قبل از تسلیم دارایی تاجر ورشکسته بین غرما، دریافت کند، و اگر داخل در غرما می شد، حتما مبلغ کمتری عاید او می گردید. ماده ۴۲۴ قانون تجارت نیز معاملات تاجر ورشکسته قبل از دوره توقف را که برای اضرار طلبکاران انجام شده باشد قابل فسخ اعلام کرده است، این ماده به حدوث ضرر اکتفا نکرده، بلکه میزان ضرر را مشخص نموده و مقرر داشته که ضرر وارده باید از ربع قیمت حین معامله بیشتر باشد. (کاویانی و جاوید، ۱۳۹۳: ۱۰۵) همچنین در صورتی که تاجر ورشکسته معاملاتی انجام دهد که اموال خود را از دست طلبکاران دور نگه دارد این معامله باطل خواهد بود و در اصطلاح این معاملات را معامله به قصد فرار از دین می خوانند. فرار از دین عبارت است از هر عمل حقوقی متقلبانه که منظور عامل آن فرار از پرداخت دین باشد. در حقیقت هدف مدیون از ارتکاب چنین حيله ای این است که بر طلبکاران ضرر وارد کرده و حقوق ایشان را نپزدازد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۴۹۶) ماده ۲۱۸ پیشین ق.م. مصوب ۱۳۰۷ « هر گاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده آن معامله نافذ نیست » این ماده اینگونه معامله را در نظر داشته و آن را غیر نافذ اعلام کرده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ ماده مزبور از سوی کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی به تصور اینکه خلاف موازین شرعی است حذف شد و این

حذف مورد انتقاد برخی از فقها و حقوق دانان قرار گرفت که سرانجام در سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی ماده ۲۱۸ را با عبارات متفاوتی که فقط ناظر به معامله صوری به قصد فرار از دین است تصویب کرد و به موجب آن این معامله باطل اعلام گردید. (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۰)

همچنین ماده ۵۰۰ ق.ت بیان می دارد: معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی باشد مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد. قصد اضرار در ماده ۵۰۰ ق.ت در حقیقت همان قصد معامله صوری و فرار از دین است و بدین ترتیب در این ماده تصریح می شود که مبنای بطلان معامله، انگیزه بدهکار مبنی بر ضرر زدن به دیان و فرار از دین است.

بخش پنجم: حقوق طلبکاران بر ورشکسته بعد از صدور حکم ورشکستگی

یکی از اقدامات مهم در امر ورشکستگی حقوق طلبکاران می باشد. در این وضعیت مقررات ورشکستگی می بایست در مورد تاجر اجرا و دارایی تاجر به نسبت طلب بین طلبکاران تقسیم شود.

بند اول: حقوق طلبکاران پیش از تصفیه امور ورشکستگی

تاجری که حکم ورشکستگی او صادر شده است ممکن است مبادرت به انجام اعمال بنماید که به ضرر طلبکاران تمام شود لذا قانونگذار مطابق ماده ۴۱۸ قانون تجارت برای جلوگیری از اضرار به طلبکاران ممنوع المداخله بودن نامبرده و تامین و توقیف دارایی او را که وثیقه طلب بستانکاران است، اعلام نموده است.

الف - ممنوعیت تاجر ورشکسته از تصرف در اموال خود

منع مداخله تاجر در اموال خود به معنی محدود کردن آزادی تاجر در اداره اموالش پس از صدور حکم ورشکستگی میباشد، به این توضیح که تاجر متعاقب صدور حکم ورشکستگی بی آنکه لازم باشد حکم اعلان گردد از مداخله در کلیه اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او شود، محروم میشود. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات و





الحاقات بعدی، به این اصل تصریح نموده و بازرگان متوقف را از مداخله در کلیه اموال خود متعاقب صدور حکم ورشکستگی ممنوع نموده است. ۱- در خصوص رویکرد لایحه اصلاحی نسبت به این اصل که از اصول مهم پذیرفته شده در تصفیه امور بازرگانان متوقف است میتوان گفت که لایحه مذکور ضمن پذیرفتن این اصل همانند قانون تجارت ۱۳۱۱، مقرراتی مرفعی تر از قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مقرر داشته است که دلیل آن هم به لحاظ نوآوری های ایجاد شده در روند بازسازی و ورشکستگی تاجر متوقف میباشد به این توضیح که لایحه اصلاحی قانون تجارت از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، تاجر را از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید شود، ممنوع دانسته و در کلیه اختیارات و حقوق مالی شخص ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد، سازمان تصفیه امور ورشکستگی را قائم مقام قانونی ورشکسته دانسته و به این سازمان حق داده به این عنوان از اختیارات و حقوق ورشکسته استفاده کند. این قسمت از مقرر لایحه اصلاحی تکرار مقرر قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ با الحاقات و اصلاحات بعدی مندرج در ماده ۴۱۸ آن قانون میباشد با این تفاوت که سازمان تصفیه امور ورشکستگی را به جای مدیر تصفیه، قائم مقام تاجر ورشکسته دانسته است. نوآوری که لایحه اصلاحی در خصوص اصل منع مداخله تاجر در اموال خود، وضع نموده مربوط به تبصره یک و دو ماده ۹۴۲ می باشد که طی آن مقرر شده: از تاریخ ارجاع پرونده تاجر از سوی هیات تشخیص به دادگاه تجارتي تا صدور حکم مربوط به ورشکستگی، مداخله تاجر در اموال خود تنها در چهار چوب تعیین شده توسط هیات تشخیص و با نظارت و تایید سازمان بازسازی مجاز است. تبصره دو این ماده مرقوم مقرر میدارد: پیش از صدور حکم ورشکستگی برای تاجری که مشمول بازسازی نباشد دخالت در حدود مقررات آزاد است و اگر تاجر مشمول بازسازی باشد، نظارت سازمان بازسازی تا صدور حکم و دخالت سازمان تصفیه امور ورشکستگی استمرار می یابد. لایحه اصلاحی قانون تجارت ضمن پذیرش اصل منع مداخله تاجر در اموال خود به صورت مطلق متعاقب صدور حکم ورشکستگی، نوعی خاص از منع مداخله را نیز در دوران قبل از صدور حکم ورشکستگی پذیرفته است. بنابراین از آن جا که ممکن است فاصله

ی میان صدور حکم ورشکستگی و خاتمه ی امر ورشکستگی بسیار طولانی باشد و امر تصفیه نیز زمان بر و پیچیده شود لازم است اقداماتی صورت گیرد و آزادی تاجر در تصرف در اموالش محدود شود. از آن جا که تاجر در این دوران در وضعیت اقتصادی نامطلوبی قرار دارد بسیار احتمال می رود تصرفاتی در اموال خود انجام دهد که به زیان طلبکاران باشد یا قاعده ی تساوی را در میان آنها به هم بزند. به همین دلیل، قانونگذار در این دوران، اموال تاجر را از تصرف و مداخله ی او دور کرده است. پس از صدور حکم ورشکستگی و بدون نیاز به ابلاغ آن، آزادی معاملاتی تاجر محدود می شود و این محدودیت جز در موارد استثنایی، نسبت به کلیه ی اموال او سرایت می کند.

ب - ممنوعیت تاجر ورشکسته از انجام اعمال حقوقی

در خصوص وضعیت حقوقی معاملات در این دوران ممکن است سه نظر قابل طرح باشد: نظر اول این که تنها معاملات مندرج در ماده ی ۴۲۳ و موارد عام که قبل از صدور حکم ورشکستگی و توقف تاجر باطل است در این جا نیز باطل باشد. نظر دوم این است که کلیه ی معاملات بعد از صدور حکم ورشکستگی غیر نافذ است و بالاخره نظر سوم این که کلیه ی معاملات بعد از صدور حکم ورشکستگی باطل و نه غیر نافذ است. در خصوص نظر اول باید گفت قدر متیقن آن است که معاملات مندرج در ماده ی ۴۲۳ و موارد عام در دوران پس از صدور حکم ورشکستگی نیز تحت تأثیر قرار گیرد، چرا که این معاملات در دوران پیش از صدور حکم که قاعدتا مرحله ای ابتدایی تر از نظر قواعد ورشکستگی بود تحت تأثیر قرار میگیرد باید نظر داد در این دوران که قاعده ی منع مداخله جاری می شود به طریق اولی ممنوع هستند. با وجود این، به نظر میرسد که این نظر صحیح نباشد، چرا که، این بدان معنی است که تقسیم موارد و جدا کردن مرحله ی صدور حکم ورشکستگی از مراحل پیشین و آغاز ممنوعیت تاجر از فعالیت هیچ اثر عملی مهمی ندارد در حالی که در قانون تجارت به آن اهمیت داده شده است و مواد چندی به بیان احکام آن اختصاص یافته است. در خصوص این که معاملات تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی باطل است یا غیر نافذ ممکن است اساس





اختلاف جدی تر باشد، چرا که، تاجر از مداخله در اموال خود برای رعایت حقوق طلبکاران منع شده است. پس چه اشکال دارد اگر معاملات صورت گرفته به وسیله ی آنها تنفیذ شود صحیح تلقی گردد. اگر ورشکستگی را با مواردی مانند معاملات فضولی یا معامله ی اکراهی مقایسه کنیم این نظر بیشتر تقویت میشود. با نگاه به این قبیل از معاملات و بررسی مبانی سایر موارد عدم نفوذ معاملات می توان به این نتیجه رسید که چه از دید ساختار و چه از دید هدف قانونگذار در درج محدودیتها، باید موارد ممنوعیت تاجر را از زمره ی موارد عدم نفوذ عقد دانست. بسا معاملات صورت گرفته به نفع طلبکاران باشد در چنین شرایطی، باید به هیئت طلبکاران یا نماینده ی آنها این حق را داد تا با تنفیذ معامله به تأمین منافع آنها کمک کند. عدم تصریح قانونگذار به بطلان معاملات بعد از صدور حکم ورشکستگی به تردیدها دامن می زند و راه را برای استدلال و دادن نظر مخالف می گشاید. با وجود این، این نظر با نص قواعد قانون تجارت تطابق ندارد. گفته شده است وقتی برای معاملات پیش از صدور حکم ورشکستگی ضمانت اجرای بطلان پیش بینی شده است چرا نباید نظر داد قانونگذار همین ضمانت اجرا را در خصوص مرحله ی بعد از صدور حکم در نظر نگرفته است. همچنین، گفته شده است بر اساس ماده ی ۴۱۸ قانون تجارت، تاجر پس از صدور حکم ورشکستگی ممنوع از معامله شده است و نتیجه ی منطقی ممنوعیت او از معامله بطلان کلیه ی معاملات او است. مفهوم مخالف ماده ی ۵۰۰ قانون تجارت نیز منطبق با این استدلال است (اسکینی، ۱۳۷۸: ۷۸) به علاوه، باید توجه داشت که قواعد ورشکستگی تنها جنبه ی شخصی ندارد بلکه غایت قواعد آن حفظ نظم اقتصادی است. بنا بر این، بطلان معاملات تاجر در این دوران جنبه ی نظم عمومی دارد. با وجود درستی استدلالهای بالا و تأیید انطباق قواعد کنونی در قانون تجارت با بطلان معاملات تاجر بعد از صدور حکم ورشکستگی، به نظر میرسد این نظر از نظر منطق و استدلال حقوقی و اقتصادی صحیح نمیباشد. همانطور که گفته شد ممنوعیت تاجر از معامله برای حفظ حقوق غرما است. پس چه اشکال دارد به کسانی که قواعد برای حفظ حقوق آنها پیش بینی شده است اجازه داد با تنفیذ معامله، نفع شخصی خود را در نظر آورد یا حتی از حقوق شخصی خود بگذرند. اگر این معاملات ورشکسته را با مواردی مانند معاملات فضولی مقایسه کنیم در

خواهیم یافت که ضمانت اجرای بطلان چندان با قواعد عام حقوق ایران نیز تناسب ندارد. وقتی مالک بتواند معامله ای را که شخص ثالث در خصوص اموال او صورت داده است تنفیذ کند و آن را وارد دنیای حقوق نماید به طریق اولویت، طلبکاران تاجر که تنها حق وثیقه بر اموال او دارند باید از چنین حقی برخوردار باشند. درست است که قواعد ورشکستگی جنبه ی نظم عمومی دارد اما چنان که قبلاً اشاره شد تراضی برخلاف قواعد نظم عمومی حمایتی به نفع شخص یا گروهی که مقنن قصد حمایت از آنها را داشته است امکان پذیر است. پذیرش این نظر با اصل ثبات در معاملات و حمایت از حقوق اشخاص ثالث با حسن نیت منطبق است. با وجود باطل دانستن معاملات، در عمل، غرماً میتوانند با عدم اعتراض به معامله ی صورت گرفته به مدیر تصفیه اجازه دهند آن را صحیح تلقی کند.

ج - ممنوعیت از تصرفات مادی توسط تاجر ورشکسته در اموال خود

بلافاصله بعد از صدور حکم ورشکستگی، بدون آنکه ابلاغ حکم به ورشکسته لازم باشد، اختیار و اراده تاجر متوقف (تاجر محکوم علیه) در اداره اموالش محدود می شود.

در این خصوص حکم صادره دارای اثر عام می باشد و مخصوص اموال خاصی از تاجر نیست بلکه نسبت به تمام اموال تاجر قابل تسری است. دولت باید نظارت در امر ورشکستگی داشته باشد، چرا که ورشکستگی تاجر به طلبکاران و حتی اغلب تجار دیگری که در نتیجه این واقعه ورشکست می شوند، ممکن است لطمه بزند. (عبادی، ۱۳۸۹: ۲۲۳)

در ماده ۴۱۸ قانون تجارت، این محدودیت به طور خلاصه بدین صورت بیان شده است:

تاجر ورشکسته، از تاریخ صدور حکم، از مداخله در تمام اموال خود، حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیبه دیون او باشد، مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند.

لذا اصولاً کلیه معاملات تاجر بعد از تاریخ صدور حکم ورشکستگی باید باطل اعلام شود. چرا که ماده مذکور تاجر را از مداخله در اموال خود ممنوع کرده است و نتیجه منطقی این





سلب مداخله، بطلان معاملات تاجر بعد از صدور حکم مزبور است. با این حال قانونگذار ما به خاطر مصالحی که انعقاد قرارداد ارفاقی مجاز شمرده است در ماده ۵۰۰ قانون تجارت معاملاتی را که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم ورشکستگی راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی نموده است را باطل نشمرده است مگر آنکه محرز شود معاملات مزبور به ضرر طلبکاران و به قصد اضرار انجام گرفته باشد.

چنانکه ملاحظه می شود ماده ۴۱۸ کلیه معاملات را باطل نموده و ماده ۵۰۰ استثنایی بر آن وارد نموده است و قسمت اخیر ماده ۵۰۰ باز هم به اصل قاعده بطلان برگشت داده شده است. مفهوم مخالف ماده ۵۰۰ این است که تاجری بعد از صدور حکم ورشکستگی موفق به انعقاد قرارداد ارفاقی شده است. معاملاتش در صورت عدم وجود سوءنیت صحیح است و تاجری که چنین موفقیتی ره به دست نیاورده باشد معاملاتش همچنان باطل است. لذا باید گفت معاملات باطل تاجر ورشکسته منحصر به موارد سه گانه ماده ۴۲۳ قانون تجارت نیست چنانکه ماده ۴۱۸ و ۵۰۰ موید آن است.

از آن جا که تاجر ورشکسته از زمان صدور حکم ورشکستگی اذدخال در اموال و حقوق مالی خود ممنوع است نه دیگران، باید اصولاً به او اجازه ایفای نقش خود به عنوان قیم، ولی و وصی را داد. همچنین، به نظر می رسد ورشکسته می تواند به وسیله دیگران به عنوان وکیل برگزیده شود، چرا که، این امر مستلزم مداخله در امور مالی خود نیست و به زیان طلبکاران نیز نمی باشد.

در خصوص این که آیا ورشکسته می تواند برای اداره امور خود شخصی را به عنوان وکیل برگزیند به عقیده ی برخی از حقوق دانان مسأله قدری با مشکل رو به رو می شود. به نظر می رسد چون ورشکسته از مداخله در اموال و حقوق مالی خویش منع شده است و وکیل گرفتن به معنای مداخله در امور مالی است او چنین حقی نداشته باشد. در فقه نیز گروهی همین استدلال را در خصوص مفلس به کار گرفته اند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۶۷)

ج - ممنوعیت تاجر ورشکسته از مداخله در دعوی له یا علیه خود

قلمرو قاعده منع مداخله در دعوی شامل دعوی ورشکسته نیز می شود. به طوری که در ماده ۴۱۹ قانون تجارت مقرر می دارد: از تاریخ حکم ورشکستگی هر کسی نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید با مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

چنانکه ملاحظه می شود، دعوایی که بر علیه ورشکسته در حال رسیدگی است و یا اینکه در آینده اقامه می شود، باید به طرفیت مدیر تصفیه اقامه شوند زیرا اگر چه اموال ورشکسته در مالکیتش باقی می ماند ولی حق اداره و تصرفاتی قانونی پس از صدور حکم ورشکستگی از ورشکسته به مدیر تصفیه انتقال یافته است پس طرح دعوائی که آثار مالی داشته باشد علیه کسی که حق تصرف بر اموال خود را ندارد از لحاظ عقلی و منطقی صحیح نیست.

ممکن است ادعا شود که دعوا اصولاً بر اموال مدعی علیه اقامه و تحمیل می شود و ممنوعیت او از مداخله تاثیری بر آن ندارد. ادعای مزبور در حقوق کنونی ما صحیح نیست؛ زیرا اگر چه اثار حکم و اجرای آن از طریق اموال مدعی علیه انجام می پذیرد ولی شخصی به نمایندگی باید بتواند در اموال محجور دخل و تصرف نماید.

بند دوم: حال شدن دیون موجب طلبکاران

تسریع در امر ورشکستگی ایجاب می کند که قروض مهلت دار تاجر به حال تبدیل شوند و از طرف دیگر چنانچه دارایی تاجر ورشکسته بدون در نظر گرفتن حقوق طلبکاران دارای طلب مدت دار تقسیم شود، مسلماً چیزی عاید این گونه طلبکاران نخواهد شد. بنابر همین ملاحظات است که ماده ۴۲۱ قانون تجارت مقرر داشته: همینکه حکم ورشکستگی صادر شد، قروض موجب رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود. و بنا بر ماده ۴۲۲ همان قانون: هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده با براتی را قبولی نوشته، سایر اشخاصی که مسئول تادیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تادیه آن را سر مدت تامین



نمایند. حال شدن دیون جنبه عام دارد و کلیه دیون اعم از عادی و ممتاز و دارای وثیقه را شامل می شود بدیهی است که دین باید منجز باشد، نه مشروط و در مورد دین مشروط تا شرط تحقق نیابد، دین ثابت نمی شود. (قائم مقام فراهانی، ۱۳۹۳، ۵۸)

بند سوم: استیفاء طلب توسط طلبکاران

در میان طلبکاران، استیفاء طلب طلبکاران دارای حق عینی در اولویت می باشد. در واقع بستانکاران مذکور در طبقات اول تا چهارم ماده ۵۸ ق.ا.ت.ا.و، بر طبقه پنجم که به طلبکاران عادی تعلق دارد مقدمند. البته هر طبقه نسبت به طبقه بعدی همین حق تقدم را داراست اما میان دیان مقید در یک طبقه، در صورت حصول کسر دارایی بر بدهی، اصل تساوی در وصول سهم غرمایی حاکم خواهد بود. با مذاقه در طبقه بندی دیان با حق تقدم ماده ۵۸ قانون اخیر، می توان چنین استنباط کرد که این طبقه بندی بجز مشمولین طبقه اول، در خصوص اشخاص حقوقی به علت خصایص ذاتی آنها سالبه به انتفاء موضوع می باشد زیرا سبب دیون مذکور منحصر به خصایص اشخاص حقیقی معطوف است. طبق ماده ۵۸ ق.ا.ت.ا.و: بستانکارانی که دارای وثیقه اند، نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می شوند. بنابراین بستانکارانی که دارای وثیقه می باشند، نسبت به حاصل فروش مورد وثیقه حق تقدم دارند و بدوا طلب آنان پرداخت می شود و اگر حاصل فروش مورد وثیقه مازادی داشته باشد، مازاد بین طلبکاران تقسیم می گردد. پس از استیفاء طلب طلبکارانی که درای وثیقه اند نوبت به طلبکاران ممتاز می رسد. طلب ممتاز همانند هر طلب دیگری، حقی مالی و از مصادیق حقوق دینی است؛ اما وصفی که این نهاد حقوقی را از سایر مطالبات، ممتاز می سازد، وصف تعقیب یا تقدمی است که طلب ممتاز به موجب قانون کسب کرده است. (ایزائلو، ۱۳۹۱: ۳۸) در واقع مطالبات ممتاز مطالباتی هستند که به موجب قوانین موخر بر قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی ممتاز شناخته شده و با هیچ یک از طبقات ماده ۵۸ قانون اخیر نیز قابل جمع نباشد. نظر به اینکه امتیاز در وصول طلب مخالف اصل تساوی طلبکاران می باشد، باید در تفسیر آن به قدر متقین اکتفاء شود. شایان ذکر است که در صورت

وجود چند طلب ممتاز هم عرض یکدیگر، اگر دارایی ورشکسته برای پرداخت کامل آنها کافی نباشد، اصل تساوی جهت تعلق سهم غرمایی به هر یک تعلق خواهد گرفت. پس از طلبکاران ممتاز نوبت به طلبکاران عادی می رسد. دارندگان طلبهای عادی که مقنن مکررا از آنها به عنوان غرما یاد نموده و عملا بزرگترین طبقه طلبکاران را تشکیل می دهند، اشخاصی هستند که پیش از صدور حکم ورشکستگی طلبکار بوده و از هیچ یک از اولویت های پیش گفته برخوردار نیستند. علرغم تصریح مقنن به جایگاه مطالبات عادی، متاسفانه تعریف روشنی از این گونه مطالبات ننموده است. نظر غالب نویسندگان موید این قاعده مهم است که اصولا مجموعه طلبکاران قبل از صدور حکم ورشکستگی نسبت به طلبکاران بعد از صدور حکم ورشکستگی اولویت دارند و طلبکاران عادی یعنی غرما از همین جمله اند. (کاویانی، ۱۳۹۱: ۱۴۱) در میان مطالبات عادی، اصل تساوی طلبکاران اعمال شده و همگی آنها به نسبت طلبشان از دارایی مدیون، بهره خواهند برد.

بند چهارم: مهر و موم اموال ورشکسته

بدیهی است برای تعیین میزان دارایی ورشکسته و حفظ آن، اموال ورشکسته باید مهر و موم شود. این اقدام که به موجب قانون اداره تصفیه به وسیله خود اداره انجام می گیرد، به موجب قانون تجارت باید فوراً به وسیله عضو ناظر انجام شود (ماده ۴۳۴ ق.ت) در مهر و موم اموال تاجر ورشکسته عضو ناظر به ترتیب انبارها، حجره ها، صندوق اسناد، دفاتر نوشته ها، اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را مهر و موم خواهد نمود. اگر شرکت ورشکسته تضامنی، نسبی یا مختلط باشد، اموال شخصی شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد. (زررخ و رادمش، ۱۳۹۴)

مهر و موم اموال امری استثنایی است ولی با وجود ضرورت آن در امر تصفیه اموال ورشکسته، در صورتی قابل اجراست که دادگاه در حکم ورشکستگی به صراحت دستور آن را داده باشد. (ماده ۴۳۳ ق.ت)





نحوه رسیدگی به دادخواست مهر و موم ترکه پس از وصول درخواست مهر و موم به دفتر دبیر خانه شورای حل اختلاف و از طرف اشخاصی که قانوناً حق تقدیم در خواست را دارند به دستور عینی شورا در خواست را ثبت می کند و بنا بر دستور ۱۷۵ ق ا ح وقت مهر و موم را شورا به اشخاص ذینفع بداند اطلاع می دهد در هر حال پس از ثبت در خواست مهر و موم به دستور عینی شورا و تکمیل مدارک شورا مبادرت به صدور قرار مهر موم ترکه می نماید (فومشی و باغبانی، ۱۳۸۷: ۶۹)

در مهر و موم اموال تاجر ورشکسته عضو ناظر به ترتیب انبارها، حجره ها، صندوق اسناد، دفاتر نوشته ها، اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر را مهر و موم خواهد نمود. اگر شرکت ورشکسته تضامنی، نسبی یا مختلط باشد، اموال شخصی شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی شرکا نیز به موجب حکم جداگانه یا ضمن حکم ورشکستگی شرکت صادر شده باشد.

بند پنجم: نظارت بر تصفیه امور ورشکسته

از تاریخ صدور حکم ورشکستگی با منع مداخله تاجر در اموالی خود، سازمان تصفیه امور ورشکستگی قائم مقام ورشکسته محسوب میگردد و اداره کلیه امور تاجر تا پایان دوره تصفیه ورشکستگی با سازمان تصفیه امور ورشکستگی است. در رژیم قانون تجارت (رژیم تعیین مدیر تصفیه و عضو ناظر) عمل تصفیه با دخالت دو شخص انجام می گیرد: یکی مدیر تصفیه که قائم مقام ورشکسته است، که باید اموال شرکت ورشکسته را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و شرکا بفروشند (مواد ۴۱۸ و ۴۱۹ ق.ت) و یکی هم عضو ناظر که می توان او را نماینده دادگاه دانست. (خزاعی، ۱۳۹۴: ۲۰۹) در قانون نظام تجارت، محکمه مکلف است در حکم ورشکستگی شخصی را به سمت عضو ناظر تعیین کند (ماده ۴۲۷ ق.ت) حال آنکه در رژیم اداره تصفیه امور ورشکستگی به تصریح قسمت آخر ماده یک قانون تصفیه عضو ناظر تعیین نخواهد شد. به نظر می رسد که فلسفه حذف عضو ناظر به این علت باشد که افرادی که در اداره تصفیه به سمت متصدی پرونده انجام وظیفه کمی کنند تا حدود زیادی به موازین قانونی در این زمینه آشنایی دارند، در نتیجه لزومی ندارد که شخصی به عنوان عضو ناظر بر عملکرد ایشان نظارتی تام بنماید. (عاشری، ۱۳۹۲، ۱۴) در خصوص اینکه چه نهادی

با چه سازوکار های اجرایی، عهده دار تصفیه امور تاجر ورشکسته می باشد، در لایحه اصلاحی سازمانی به نام سازمان تصفیه امور ورشکستگی را تاسیس گردیده است. به موجب مقررات لایحه اجرای حکم ورشکستگی و امر تصفیه تاجر بر عهده سازمان تصفیه امور ورشکستگی است و سازمان تصفیه امور ورشکستگی شخصی حقیقی یا حقوقی را به عنوان مدیر تصفیه برای انجام این امر تعیین میکند. ملاحظه می گردد که لایحه در مقایسه با قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ که حسب مورد تصفیه امور مربوط به ورشکستگی را در اختیار مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی قرار داده بود ۳، از سیستم دو گانه تصفیه مذکور عدول نموده و امر تصفیه را در اختیار نهادی واحد، تحت عنوان سازمان تصفیه امور ورشکستگی قرار داده است.

بند ششم: حق اعتراض طلبکاران

طلبکاران و کسانی که نسبت به اموال تاجر ورشکسته ادعایی دارند باید طلب یا ادعای خود را اعلام کنند تا مورد رسیدگی و تشخیص قرار گیرد. نحوه رسیدگی به مطالبات و قبولی آن ها از طرف اداره تصفیه بیشتر جنبه ی قضایی دارد تا توافقی. بدین لحاظ طلبکاران مختلف در مهلت های مقرر قانونی مطالبات خود را اظهار می کنند. (پروین و همکاران، ۱۳۹۴، ۱). پس از صدور رای و در صورتی که هر یک از طلبکاران نسبت به رای معترض باشند و رای صادر (رای بدوی) را برخلاف واقع و مغایر با قانون بدانند میتوانند طبق مقررات قانونی اقدام به اعتراض رای صادره کنند. و اعتراض خود را برای تجدید نظر و اخذ تصمیم در مرجع رسیدگی در قالب های تجدید نظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث، ثبت نموده و مجددا نسبت به رای شکایت نمایند.

نتیجه گیری

صدور و اعلام حکم ورشکستگی تاجر هم بر روی ورشکسته و معاملات او با دیگران و هم نسبت به طلبکارها تاثیر می گذارد، همین که حکم ورشکستگی صادر شد، قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود. حال شدن دیون جنبه عام دارد و کلیه دیون اعم از عادی و ممتاز و دارای وثیقه را شامل می شود بدیهی است که





دین باید منجز باشد، نه مشروط و در مورد دین مشروط تا شرط تحقق نیابد، دین ثابت نمی شود. بستانکارانی که دارای وثیقه می باشند، نسبت به حاصل فروش مورد وثیقه حق تقدم دارند و بدوا طلب آنان پرداخت می شود و اگر حاصل فروش مورد وثیقه مازادی داشته باشد، مازاد بین طلبکاران تقسیم می گردد. بعد از وصول طلبکاران با وثیقه نوبت به طلبکاران ممتاز و سپس طلبکاران عادی می رسد. ادامه فعالیت تجارتي شخص متوقف پس از حکم ورشکستگی، در رژیم تعیین مدیر تصفیه و عضو ناظر، صرفاً منوط به موافقت بستانکاران گردیده است. برخلاف قانون اداره تصفیه، در قانون تجارت تصمیم گیری در مورد ادامه کار تاجر با طلبکاران است نه با مدیر تصفیه. و حضور اکثریت آنان نیز برای رای گیری کافی است (سه چهارم از لحاظ تعداد و کل مبلغ طلب). البته ادامه کار تاجر به وسیله وکیلی است که آنان انتخاب می کنند. قانون تجارت ایران برای طلبکاران در مواردی حق و حقوقی قرار داده است. یکی از این حقوق، حق اعتراض طلبکاران می باشد که وفق قانون باید انجام گیرد.

از جمله این حقوق؛ حق اعتراض به حکم ورشکستگی :

حکم دادگاه تجارتي راجع به ورشکستگی قابل تجدیدنظر است و طلبکاران نیز حق اعتراض دارند. اصحاب دعوا و هر ذینفع از جمله طلبکاران تاجر ورشکسته، وفق مقررات قانونی حق اعتراض به حکم ورشکستگی از حیث تعیین تاریخ توقف را دارند. از دیگر حقوق اعتراض به ادعای طلب می باشد بنابراین طلبکاران و کسانی که نسبت به اموال تاجر ورشکسته ادعایی دارند باید طلب یا ادعای خود را اعلام کنند تا مورد رسیدی و تشخیص قرار گیرد. از دیگر حقوق اعتراض طلبکاران به اقدامات و تصمیمات عضو ناظر و مدیر تصفیه عضو ناظر و مدیر تصفیه به منظور اقدامات تامینی به دعوت بستانکاران و بدهکاران ورشکسته اداره اموال و وصول مطالبات ورشکسته، فروش اموال ورشکسته، تقسیم دارایی ورشکسته بین بستانکاران و بالاخره اعلام خاتمه ورشکستگی اقدام می نمایند. طلبکاران ورشکسته از حق اعتراض به تصمیمات و اقدامات عضو ناظر و مدیر تصفیه برخوردار می باشند. پس از تصفیه امور ورشکستگی، طلبکاران نیز دارای حق و حقوقی می گردند. از جمله این حقوق قرار داد ارفاقی

طلبکاران با تاجر ورشکسته می باشد. قرارداد ارفاقی متضمن ارفاق به شخص مدیون و به سان فرصتی است که وی را از گزند گرفتاری در ورشکستگی به معنای واقعی کلمه و تصفیه اموال نجات می دهد. از باب نوع ارفاق به شخص متوقف و موقعیت زمانی آن می توان قراردادهای ارفاقی را به دو قسمت قراردادهای ارفاقی پیش از حکم توقف و پس از حکم توقف تقسیم کرد. همچنین برای طلبکار بعد از خروج تاجر از ورشکستگی حقوقی قرار داده شده، برای رفع اثر حکم ورشکستگی، لازم است طرح دعوا انجام شود. در صورتی که طلبکاران برای وصول طلب خود بتوانند اجراییه بگیرند و یا به موجب اقدامات تأمینی اموال بدهکار را توقیف کند، در این صورت تحت شرایطی می تواند به توقیف اموال اعتراض کرد و از توقیف آن رفع اثر کرد همچنین خسارت تاخیر تادیه در حالت معمول، در پی عدم ایفاء عهد از ناحیه بدهکار، بر عهده وی قرار می گیرد. با این حال به جهت وضعیت استثنایی اشخاص ورشکسته، هیات عمومی دیوان عالی کشور، مطالبه خسارت تاخیر تادیه را بعد از تاریخ توقف، منع نموده است. طلبکاران ورشکسته اعم از اینکه وثیقه داشته باشند یا نه، حق مطالبه خسارت تاخیر تادیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند.



منابع و ماخذ

الف) کتاب

اسکینی، ربیعاً، ۱۳۸۷، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه ی امور ورشکسته، سمت، چاپ هفتم،

اعظمی زنکنه عبدالحمید، ۱۳۵۳، حقوق بازرگانی، درس و تقدیرات، چاپ چهارم، نشر تهران، بی تا

حاجی پور شوشتری عبدالحمید، ۱۳۹۰، حقوق تجارت، تهران یادواره اسدی
ثابت سعیدی، ارسلان، ۱۳۷۶ حقوق بازرگانی، دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم،
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۷، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش
ستوده تهرانی سید حسن، ۱۳۹۱، حقوق تجارت، جلد چهارم، چاپ نوزدهم، نشر دادگستر
تهران

ستوده تهرانی، سید حسن، ۱۳۷۶، حقوق تجارت، نشر دادگستر، چاپ دوم
کاتوزیان ناصر، ۱۳۸۵، حقوق مدنی (نظریه عمومی تعهدات)، تهران نشر میزان
عرفانی محمود، ۱۳۹۳، حقوق تجارت، جلد سوم، تهران جهاد دانشگاهی، چاپ سوم
قائم مقام فراهانی، محمد حسین، ۱۳۹۳، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه، انتشارات
چاپ و دانشگاه تهران، چاپ هشتم،

کاتبی دکتر حسینقلی، ۱۳۸۷، حقوق تجارت، تهران گنج دانش، چاپ دوازدهم،
کاویانی کوروش، ۱۳۹۱، حقوق ورشکستگی، چاپ اول، نشر میزان تهران
حسنی، حسن، ۱۳۸۵، حقوق تجارت مشتمل بر کلیه مباحث، چاپ چهارم، تابستان، نشر
میزان، تهران

عبادی، محمدعلی، حقوق تجارت، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سی و یکم، تهران

خزاعی، حسین، ۱۳۹۴، حقوق تجارت اشخاص حقوقی و کلیات شرکت های تجاری در قانون جلد ۸، چاپ اول، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران

ب) مقالات

ایزائلو محسن، میر شکاری عباس، ۱۳۹۱، طلب ممتاز، فصل نامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۶۰، زمستان ۱

حسینی سید نیما، ۱۳۸۶، معامله به قصد فرار از دین، ماهنامه دادرسی، شماره ۳۷
پروین رسول، مرادی کرناچی مریم، پرنون یونس، ۱۳۹۴، تکالیف بستانکاران تاجر ورشکسته، اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی،

زررخ احسان و رادمنش منصور، ۱۳۹۴، ورشکستگی و تصفیه اموال در قوانین ایران، پایگاه اینترنتی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۹ شهریور
صقری محمد، ۱۳۷۳، جزوه درسی حقوق تجارت ۴، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری،

کاویانی، کورش؛ فرزانه، جاوید، ۱۳۹۳، مقایسه اثر توقف بر معاملات ورشکسته در حقوق ایران با راهنمای حقوق ورشکستگی آنسیترا، دانش و پژوهش حقوقی، شماره ۶، پاییز و زمستان

سکوتی، رضا، ۱۳۸۴، تأثیر حکم ورشکستگی بر معاملات قبل از توقف تاجر ورشکسته، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، تابستان و پاییز، شماره ۲۱

طالب احمدی، حبیب، ۱۳۸۴، معاملات قابل ابطال در حقوق ایران، نشریه مدرس علوم انسانی، پاییز، شماره ۴۰

رحمدل، منصور، ۱۳۸۶، ورشکستگی به تقصیر، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، تابستان، سال سی و هفت، شماره ۲



ابراهیمی، طیبه، ۱۳۹۹، معاملات تاجر ورشکسته، هفتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران

ج) پایان نامه

عاشری محمد، ۱۳۹۲، مقایسه رویه های عملی اداره تصفیه با موازین قانونی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، پایان نامه ارشد

تله جردی محمد بیات، ۱۳۷۹، معاملات تاجر ورشکسته با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و مصر، پایان نامه ارشد، دانشگاه تهران، شهر یور

